

مکتب پان و ایران

مقدمه :

کسانی که از موفقیت و پیشرفت های حرکت ملی آذربایجان هراسانند و طرح خواست های انسانی ملت آذربایجان را خطری بر علیه افکار توسعه طلبانه و پان ایرانیستی خود دانسته و پروژه های تورک ستیزانه خود را شکست خورده می بینند، همواره شروع به انگ زنی و تهمت گویی به فعالین ملی آذربایجان می کنند. یکی از این اتهام ها «پان تورکیسم» یا «تورکیسم» است. ادبیات مشترکی که هم جمهوری اسلامی و هم اپوزیسیون آن بکار می برد و متأسفانه اخیراً مبلغین اصطلاحات نوین «زبان آذربایجانی» و «زبان آذری» و مخالفان استفاده از اصطلاح تاریخی «زبان تورکی» هم به جمع این انگ زنان پیوسته اند.

مختصری از تاریخچه مکتب پان :

مکتب پان یکی از مکاتب بشری است که پایه و اساس آن را قدرت سیاسی و اقتصادی تشکیل می دهد. اصولاً این نهضت برآمده از نهضت بزرگتر ناسیونالیسم است که در قرن نوزدهم در اروپا آغاز شد. اگرچه نمی توان برای یک اندیشه نقطه آغازی تعیین نمود ولی می توان از دوره ای سخن گفت که یک اندیشه تبیین و تدوین شده و از حالت احساسی پراکنده و مبهم به صورت اندیشه ای مدون درآمده است.

ناسیونالیسم اندیشه ای است که بیشتر در آلمان و اروپای شرقی بروز کرد. ناسیونالیسم در آغاز بیشتر وجهه فرهنگی داشت تا سیاسی. نهضت این معنی را دربرداشت که هر ملتی صاحب زبان، تاریخ و نظریه ای نسبت به جهان و سرانجام تاریخ خاص خود می باشد که باید آن را حفظ و تکمیل کند. بعدها ناسیونالیسم توجه خود را به وجه سیاسی نیز معطوف کرده و عنوان داشت که برای حفظ این فرهنگ ملی و محرز ساختن آزادی و عدالت در حق افراد جامعه، هرملتی باید برای خود حکومت مستقلی تشکیل دهد.

ناسیونالیسم در آغاز حالتی تدافعی داشت تا تهاجمی. بیشتر ملتهای اروپای شرقی مانند کرواتها، اسلوانها، رومانیها و چکها به آرامی در فرهنگ قوی تر آلمانی و فرانسوی مستحیل می شدند. طبقات اعیان این اقوام به آلمانی و فرانسوی سخن می گفتند و زبان بومی زبان رایج میان دهقانان بود. ناسیونالیسم در میان این اقوام بیشتر به معنای قیام برای حفظ فرهنگ باستانی و جلوگیری از فرورفتن در موج عظیم امپراتوری فرهنگی و سیاسی فرانسه به رهبری ناپلئون بود.

ناسیونالیسمی که در آلمان بیشتر از هر جای دیگر مورد توجه و تبیین قرار گرفت، به آرامی به کشورها و قاره های دیگر رسوخ یافت. ناسیونالیسم اندیشه ای جالب برای فعالان سیاسی و فرهنگی تمام جوامع محسوب می شد. اقوام دیگر نیز این ودیعه را دریافت کرده و از آن برای بیداری ملی خود بهره گرفته اند. ناسیونالیسم مرزهای قاره ها را پیمود و همزمان با جنگهای جهانی اول و دوم و تضعیف قدرتهای استعمارگر، موجب تشدید اندیشه های استقلال طلبی گردید.

بدین ترتیب ناسیونالیسم به عنوان اندیشه ای پذیرفته شد که مبانی آن ساده و هیجان برانگیز بود. ناسیونالیسم نیرویی بود که می توانست ظرفیتهای پنهان روانی و سیاسی یک ملت را بسیج نماید. این نیرو باید در ابتدا به تعریف مبانی قومی و ملی هر ملت می پرداخت و سپس برای پاسبانی از آن می کوشید. برخی ملتها در طول تاریخ در گستره جغرافیایی وسیعتری پراکنده شده و در کشورهای مختلفی جای گرفته بودند. اسلاوها نمونه ای از این مورد است. در این میان ناسیونالیسم شاهد بازنگری و تحولی در نگرش خود شد. بدین ترتیب که ناسیونالیسم به آرامی از مرزها فراتر رفته و ضرورت شکل گیری ارتباطی فرامرزی میان افراد یک ملت را بیان کرد. این ناسیونالیسم فرامرزی موجب پیدایش مفهومی به عنوان «پان» شد. این مفهوم بیشتر در تلاش برای تقویت ریشه مشترک میان افراد یک ملت بود که در طول زمان بعلت قرار گرفتن در قالب کشورها و مناطق مختلف تضعیف شده بود.

اندیشه «پان» به عنوان مفهومی آرمانی اهدافی فراتر از ناسیونالیسم دارد. در دیدگاه این اندیشه، جهان به عرصه وجودی کشورهای بزرگی تبدیل می شود که ملتهای بزرگ رادر برمی گیرند. این جهان جدید ملتهای کوچکی را که در دل ملتهای بزرگ هستند می بلعد و تقریباً برای آنها ارزش وجودی قائل نیست. همین مسئله ایرادی اساسی برای این اندیشه است. چگونه می توان راه حلی یافت که امکان فعالیت مساوی را برای همه ملتهای بزرگ و کوچک فراهم کرد؟ برای این مسئله راه حلهایی مانند فدرالیسم و خودفرمانی ارائه شده است.

بهرحال اندیشه «پان» در ملازمت ناسیونالیسم و در پی آن، مرزها را پشت سر نهاد. در پایان قرن نوزدهم به مدد افزایش ارتباطات میان اروپا و آسیا، ناسیونالیسم از مجاری مختلف به مشرق زمین راه یافت. در اینجا ناسیونالیسم وظیفه ای دشوارتر داشت. بویژه در مناطق مسلمان نشین، عامل دینی چنان موجب تضعیف پایه های ملتگرایی شده بود که هرگونه تبلیغ ناسیونالیسم می توانست موجب تقابل میان این دو گردد.

تاریخچه پان ترکیسم :

پان ترکیسم شاخه ای از مکتب بزرگ «پان» است. شاخه های بزرگی از این مکتب بنام های پان اسلاویسم، پان عربیسم و پان فارسیسم و ... شناخته می شوند. توضیح و تبیین ناسیونالیسم در میان ترکان در کریمه و عثمانی بیشتر از سایر

جاها آغاز شد. این مناطق به دلیل نزدیکی به اروپا و دارا بودن طبقات شهری استعداد پذیرش این اندیشه را داشتند. اسماعیل گاسپرالی (1851-1914) در کریمه و کسانی چون ضیاء گوگ آلب (1876-1924) در عثمانی حاملان این اندیشه بودند. ناسیونالیسم در محدوده قلمرو عثمانی موجب بروز **پان عثمانیسم**، **پان تورانیسم** و در نهایت **پان ترکیسم** شد. تولد پان ترکیسم در عثمانی و کریمه آغازگر مرحله ای جدید در تاریخ ناسیونالیسم شرقی بود. یوسف بیگ آقچورا، نجیب عاصم (1860-1936)، نامیق کمال، ابراهیم شناسی، محمد امین یورداکول (1869-1944)، تکین آلب (1961-1883)، جلالنوری (1877-1931)، خالده ادیب (1884-1964)، حمدالله صبحی تان ریوور (1886-1966) و علی جانب (1887-1967) و ضیاء گوگ آلب در عثمانی و گاسپرالی در روسیه پرچمداران نهضت پان ترکیسم بودند. این افراد از مطبوعات برای توضیح و تبیین و تبلیغ این اندیشه استفاده می کردند. نشریه ترجمان که در 1883 توسط گاسپرالی در کریمه منتشر می شد، نخستین تلاش در این زمینه بود. ذکر این نقطه در اینجا ضروری به نظر می رسد که امروزه پان ترکیسم نه در معنای قدیمی آن بلکه در معنایی جدید و محدود به کار می رود که بحث اصلی و ایده اساسی آن حول محور **زبان ترکی** می باشد.

بزودی این افراد به تشکیل همایشهایی سیاسی نیز اقدام نمودند و مرحله جدیدی را در پیش گرفتند. قلمروی که ملل ترک زبان در آن پراکنده شده بودند، از چین تا بلغارستان ادامه داشت. ایجاد اتحاد در میان اهالی این قلمرو وسیع به عنوان یک آرمان ملی مورد توجه ناسیونالیستهای ترک قرار گرفت و موجب پیدایش مفهومی به نام «توران» شد. تلاش برای احیاء قلمرو توران هدفی بلندپروازانه بود. افزایش سطح مطالبات می توانست امکان عملی شدن آن را بسیار کاهش دهد و نبود پیروزی، ممکن بود موجب دلسردی شود. از این رو اندیشه پان تورانیسم کنار گذاشته شد و «پان ترکیسم» به عنوان اندیشه ای معتدلتر که بیشتر به اتحاد ترکان وابسته به شاخه اوغوز محدود گردید. بدین ترتیب ترکان ساکن آذربایجان و کریمه، قفقاز و عثمانی که از نظر ریشه زبانی و نژادی بیشتر به هم نزدیک هستند، مورد توجه پان ترکیستها قرار گرفت. با اینحال رویای «از چین تا بلغارستان» بطور کامل کنار گذاشته نشده است.

پنج نکته در خصوص اتهام وارده «پان تورکیست»:

۱ - بسیاری از فعالانی که این افراد و دادگاههای انقلاب پانتورکیست می نامندشان تنها به فکرایای حقوق خود بوده و خواهان رسمی شدن حق تحصیل به زبان تورکی هستند. این اشخاص نه تنها پانتورکیست محسوب نمی شوند، بلکه بسیاری از آنها اصولاً افکار ناسیونالیستی هم ندارند و فقط به فکر برقراری حقوق بشر هستند. به عنوان مثال دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی و بسیاری از گروههای پان ایرانیست روزنامه نگار مشهور سعید متین پور را هم «پان تورکیست» می نامند.

۲- همه فعالان استقلال طلب آذربایجان را هم نمی توان پانتورکیست نامید. زیرا برخی از آنان که خواستار استقلال می باشند، هدفی مانند اتحاد تمام مناطق تورک را دنبال نمی کنند.

۳- پان هایی که در اندیشه اتحاد ملت‌های هم‌زبان و هم فرهنگ بوده و می خواهند این اتحاد را از طریق ایجاد یک کشور واحد به دست بیاورند، خیال پرور هستند. فرق نمی کند پان عرب باشند یا پان فارس یا پان ترک و یا پان کرد.

۴- پان هایی هم هستند که اصرار دارند ملت هایی از فرهنگ های مختلف را به هر قیمتی هست در قالب یک کشور نگه دارند و برای حفظ تمام ارضی آن کشور با عصیت تمام آماده سرکوب تمام مخالفان خود هستند. این پانها زبان یک اتنیک را براتنیک های دیگر تحمیل می کنند و فقط یک زبان رسمی را قبول دارند. نمونه بارز این پانیسم، پان ایرانیست ها هستند. خصوصیات چون تعصب فوق العاده به تمامیت ارضی ایران و اعتقاد به رسمیت انحصاری زبان فارسی در ایران دارند و به نام تمامیت ارضی ایران آماده خونریزی و قتل و کشتار مخالفان هستند. این اندیشه در اغلب گروههای سیاسی موافق و مخالف دولت و حتی در میان به اصطلاح روشنفکران لیبرال ایرانی نیز نگاه حاکمی است. آنها زبان فارسی را نه تنها زبان رسمی بلکه زبان ملی همه اتنیک های ساکن ایران معرفی می کنند .

۵- پان های مدرن پان هایی هستند که به فکر ایجاد یک کشور بزرگ و خیالی نیستند بلکه اهدافی مانند ایجاد فدراسیونی از کشورهای هم زبان و هم فرهنگ، مانند اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا را در سر دارند. این پان ها منکر حقوق اتنیک های دیگر نیستند و سرکوب زبان های مختلف را هم مغایر با مبانی حقوق بشر می دانند

تاریخچه مکتب پان در ایران (پان فارسیسم و پان ایرانیسم) :

ناسیونالیسم در ایران که کشوری با قومیت‌های مختلف است، از پایان سده نوزدهم نمود یافت .این نمود با اوضاع اروپا ارتباط داشت و ناسیونالیسم ایرانی بیشتر مدل آلمان را در نظر داشت .ناسیونالیسم ایرانی به آرامی سهم بیشتری از رویدادهای اجتماعی و سیاسی را برعهده می گرفت .بویژه در محیط‌های شهری و در بین تحصیل‌گرددگان و افراد فرنگ دیده نفوذ بیشتری می یافت .در اوایل قرن بیستم با تشکیل دولت رضاشاه عرصه برای ناسیونالیسم ایرانی فراهم تر شد . این دولت به عنوان نمونه ای از یک دولت مدرن، سعی در برهم ریختن قالب‌های کهن داشت .بی تردید ناسیونالیسم می توانست با پس راندن عامل دینی، میزان اطاعت پذیری مردم را از حکومت افزایش داده و موجب تحکیم پایه های سیاسی آن گردد .از این رو ناسیونالیسم ایرانی رنگ و بوی دولتی یافت.

در ابتدا کسانی چون میرزاده‌ی عشقی، عارف قزوینی، فرخی یزدی، لاهوتی، داور، تیمور تاش و علی دشتی به ناسیونالیسم

اروپایی نظر داشتند. در ادامه کسانی چون حسین کاظم‌زاده، مشفق کاظمی، محمود افشار و محمود فروغی پرچمدار ناسیونالیسم دولتی شدند. ناسیونالیسم دولتی در ایران به آرامی رنگ آریایی گرفت و تجلیل و تمجید زبان فارسی وجه غالب آن گردید. برای برقراری یکپارچه سازی ملی در ایران موانعی چون زبانهای اقوام مختلف وجود داشت که به توصیه کسانی چون محمود افشار و احمد کسروی می‌بایست در طول زمان از میان می‌رفتند. زبان ترکی و عربی حالت ویژه ای داشتند چرا که اولاً از نظر زبانشناسی قرابت کمتری با ساختار زبان فارسی داشتند و ثانیاً زبان اقوام همسایه نیز بودند. بزودی این دو زبان مورد توجه قرار گرفتند. زبان عربی به نسبت زبان ترکی حساسیت کمتری را برمی‌انگیخت چراکه نهضت پان عربیسم در میان عربها چندان ریشه نداشت و دیگر اینکه جهان عرب چنان با بحرانشا درگیر شده بود که فکر حمایت از عربهای ایران در اولویت قرار نداشت. آذربایجان در این میانه وضعیتی بخصوص داشت. در این زمان جنبش پان ترکیسم در عثمانی و سپس ترکیه حوزه فعالیت خود را گسترش داده بود. وجود دو آذربایجانی به نام‌های علی حسین‌زاده (1864-1941) و احمد بیگ آقاییف (1869-1939) در جرگه‌ی پان ترکیست‌های عثمانی، نشانگر این بود که آذربایجان نیز از تبعات این مسأله برکنار نخواهد بود. به یکباره آذربایجان به محل مناقشه دو اندیشه پان ایرانیسم یا به تعبیر بهتر پان فارسیسم و پان ترکیسم تبدیل شد. از یک سوی مطبوعات ترکیه به طرح مسئله حقوق پایمال شده ترکهای آذربایجان ایران پرداختند و از دیگر سوی پان فارسیست‌ها نیز در مطبوعاتی چون «آینده» به انکار ریشه ترکی زبان مردم آذربایجان پرداختند.

اعلام استقلال جمهوری آذربایجان در 1918 موضوع را وارد مرحله ای تازه کرده بود. محمدامین رسول زاده یکی از موثرترین بنیانگذاران این جمهوری، عقاید پان ترکیستی مشخصی داشت. نوشته‌ها و کتابهای او سرشار از الهامات پان ترکیستی البته با رویکرد آذربایجانی دارند. نامگذاری این جمهوری و موضوع زبان ترکی موجب افزایش حساسیتها در ایران شد. این حوادث نشانگر آن بود که پان ترکیسم حضور خود را در آذربایجان و به تبع آن در داخل مرزهای ایران آغاز کرده بود. جمهوری آذربایجان که ارتباطات روانی و عاطفی گسترده ای با عثمانی داشت، می‌توانست با وجود خیل عظیم کارگران ایرانی مقیم آن جمهوری، موجبات اشاعه اندیشه‌های ملی‌گرایانه را در آذربایجان ایران فراهم آورد.

بروز این خطر موجب آن شد که دولتمردان ایرانی هرچه بیشتر احساس خطر کرده و بیشتر و بیشتر به تقویت پان فارسیسم بپردازند. دولتی که تمایل داشت به عنوان دولتی ملی معرفی شود، امکانات ملی را در اختیار تبلیغ زبان و فرهنگ یک قوم قرار داده بود. مسئله زبان ملی به توضیح و تبیین بیشتری نیاز داشت و البته مدل آلمان می‌توانست در این زمینه راهگشا باشد. تخفیف تحقیر زبانهای اقوام دیگر با عنوان «زبانهای محلی» و تبلیغ زبان فارسی به عنوان «نشانه والای قومیت ایرانی» سرلوحه برنامه‌های فرهنگی دولت رضاشاه بود.

در مورد زبان ترکی اشاره می‌شد که زبان ترکی زبان افراد بی‌سواد است، شایسته نامیدن به عنوان یک زبان نیست، ترکی زبان نیست بلکه لهجه ای است انحراف یافته از مسیر فارسی، مردم آذربایجان به زور به زبان ترکی تکلم می‌کنند، زبان ترکی زبان غارتگران و خون آشامان تاریخ است، ترکی زبانی زمخت و خشن و شایسته مناسبات بین‌المللی نیست و... هیچیک از این گزاره‌ها محملی علمی و منطقی نداشتند و تنها از دیدگاه پان فارسیسم قابل توجیه بودند.

تجربه ایجاد جمهوری خودمختار آذربایجان در 21 آذر 1324 نشانگر این نکته بود که زمینه هایی برای احساس خطر جدی است. پس از آنکه این حکومت دارای ریشه های مردمی که با حمایت شوروی بر سر کار آمده بود، سرنگون شد، رژیم پهلوی اندیشه پان فارسیسم را بیشتر از پیش دنبال کرد. ایجاد رسانه های جدیدی چون روزنامه های، مجله، رادیو و تلویزیون و افزایش مدارس برای پیشبرد این کار مهم بودند. تا سال 1357 سیاست اصلی رژیم پهلوی تبلیغ نژاد آریایی و زبان فارسی بود. همان گزاره های نادرست زمان رضاشاه به شکلی جدیدتر و گسترده تر تبلیغ می شد.

عامل دیگری که در این میان وجود داشت اینکه برخی روشنفکران آذربایجانی که یا تمایلات ایرانگرایانه و یا اغراض دیگری در سر داشتند، به عنوان پیشگامان سیاست پان فارسیسم درآمدند. این افراد که به حکومت نزدیک شده بودند، از مزایای مختلف این کار بهره مند می شدند. اینان که در کسوت پژوهشگر درآمده بودند، چنان به زبان مادری خود می تاختند و در تحقیر زبان فارسی می کوشیدند که در واقع «فارستر از فارس» شده بودند. هرگاه آذربایجانیان به نوشته های ضد زبان ترکی اعتراض می کردند، پاسخ داده می شد که نویسندگان چنین مطالبی خود آذربایجانی هستند

نتیجه :

چنانکه مطالب بالا اشاره شد پایه و اساس مکتب پان را قدرت سیاسی و اقتصادی تشکیل می دهد. از آنجایی که ترکان در ایران هیچ گونه قدرت سیاسی و یا اقتصادی ندارند (علی رغم اینکه اکثر منابع، معادن، باغات، جاذبه های توریستی و ... ایران در منطقه آذربایجان قرار گرفته اند) آیا می شود فعالان حرکت ملی آذربایجان را پان ترک نامید؟ آیا فکر نمی کنید اطلاق عبارتی همچون "پان ترک" و "تجزیه طلب" و ... تهمت و انگی بیش نبوده (صرفاً برای انحراف افکار عمومی و از صحنه به در کردن فعالان هویت طلب آذربایجان می باشد) که با صرف هزینه های گزاف از طرف رژیم ایران و برخی جریان های پان فارسیست و پان ایرانیست طرح ریزی و ارائه می شود

البته در این میان برخی از فعالان ناسیونالیستی هستند که به دلیل عدم داشتن اطلاعات کافی و درست از علوم چون "جامعه شناسی" و "تاریخ" و ... نادانسته و از روی احساسات خود را پان ترک معرفی می کنند ولی در عمل (به دلیل فشارهای همه جانبه وارده از طرف رژیم به فعالان اجتماعی و سیاسی) قادر به چاپ "کارت دعوت" به زبان مادری خود (تورکی) نیستند یا حتی در انتخاب اسامی نوزادان، مغازه ها، مؤسسه ها، شرکت ها و ... خود اختیار تام ندارند

پس :

بیایدد واقع بین باشیم

منابع :

1-سایت اؤیرنجی، پنجشنبه 7 اردیبهشت 1391- 26 آوریل 2012

2- پان ترکیسم و ایران ، پرویز شاهمرسی